فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۱، تابستان ۹۷، صفحات ۲۱۷-۱۹۵

مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی افراد در مورد ازدواج سفید در ایران (مطالعه‌ی کیفی جوانان شهرستان گیلان)

حدیثه رمضانی فر[۱]، محمدعلی آدیش[۲]

تاریخ دریافت:۱۳۹۶/۰۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۵

چکیده

ازدواج سفید یکی از شیوه‌های زندگی بدون ثبت ازدواج رسمی و قانونی است که در بین جوانان به گونه‌ای متفاوت مورد پذیرش قرار گرفته است. هدف این پژوهش مطالعه‌ی وضعیت ازدواج سفید در بین جوانان گیلانی که این سبک از زندگی را تجربه کرده‌اند، علل گرایش به این سبک از زندگی و پیامدهای آن می‌باشد. در روند این پژوهش از روش مطالعه‌ی کیفی، پدیدارشناسی استفاده شده است. بنابراین زوجینی که تجربه‌ی این شیوه از زندگی را داشته‌اند با استفاده از تکنیک نمونه‌گیری گلوله‌ی برفی به عنوان نمونه‌ی مورد بررسی انتخاب شدند و طی مصاحبه با ۱۵ نفر فرآیند جمع‌آوری داده‌ها متوقف گردید. نتایج تحقیق، طی فرآیند کدگذاری باز و کدگذاری محوری دسته‌بندی و مفاهیم و مقولات استخراج گردید.

نتایج تحقیق بیان‌گر این است که ازدواج سفید در بین جوانان رواج یافته است. عواملی چون وضعیت اقتصادی، مشکلات مربوط به طلاق، کاهش کنترل والدین، نیازهای جنسی و عاطفی، جهانی‌شدن، فردگرایی، کم‌رنگ‌شدن اعتقادات دینی و دوستان نقش مهمی در گرایش به ازدواج سفید در بین جوانان داشته است. عدم پذیرش از سوی جامعه و خانواده، فقدان حمایت قانونی و داشتن رابطه‌ی پنهانی از جمله محدودیت‌های این شیوه از زندگی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ازدواج سفید؛ جوانان؛ جهانی‌شدن؛ شیوه‌ی زندگی؛ نیازهای جنسی و عاطفی.

[۱] دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی گرایش مسایل اجتماعی ایران دانشگاه علوم و تحقیقات(نویسنده‌ی مسئول)
hadisramzani2017@gmail.com

[۲] کارشناس ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه آزاد اسلامی رشت psharif71@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مقدمه و بیان مسئله

ما در جهانی متحول و دست‌خوش دگرگونی زندگی می‌کنیم؛ به طوری که می‌توان شگفت‌انگیزترین رویداد دنیای معاصر را سرعت بی‌سابقه‌ی تغییرات اجتماعی دانست (لنسکی و لنسکی[1]، ۱۳۶۹: ۳). در چند دهه‌ی اخیر نهاد خانواده در جهان تحولات گسترده‌ای داشته است؛ تحولاتی که ریشه‌ی آن را باید در انقلاب جنسی اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ در کشورهای اروپایی و آمریکایی جست‌وجو کرد (کار[2]، ۲۰۱۱: ۳۰). این انقلاب با اسطوره‌زدایی از رابطه‌ی جنسی و با گسترش الگوهای هم‌خانگی، ضربه‌ی سخت‌تری را این بار نه صرفاً به اسطوره‌ی روابط جنسی، بلکه به خود ازدواج وارد کرد(فرنچ و همکاران[3]، ۲۰۱٤: ۱۸٦). انقلاب جنسی و اشاعه‌ی آن به نقاط گوناگون جهان، ابتدا، با تغییر نگرش‌ها به روابط جنسی پیش از ازدواج، گسترش کمی آن را در میان جوانان فراهم و در مرحله‌ی بعد، با افزایش تنوع این روابط، زمینه‌های شکل‌گیری هم‌خانگی را در کشورهای متعدد مهیا کرده است.

جهانی‌شدن، با ایجاد فرصت‌های ارتباطی وسیع(از طریق رسانه‌های مختلف، به‌ویژه رسانه‌های دیجیتالی) بین فرهنگ‌ها، موجب تعاملات وسیع اجتماعی و فرهنگی بین جوامع گوناگون شده است. این امر سبب گردیده تا مردم جوامع مختلف، از نوع زندگی اعضای جوامع دیگر آگاهی یافته و از رفتار و اندیشه‌های آن‌ها، ایده‌های جدید دریافت نموده و زندگی خود را با آن‌ها مقایسه کنند. همین مسئله موجب گردیده که اعضای یک جامعه، الگوهای رفتاری متعددی را مشاهده کرده و از این میان، یکی یا ترکیبی از آن‌ها را که در برخی از موارد متناقض نیز می‌نمایند، انتخاب کنند. به بیان جامعه‌شناسانه، امروزه، گروه‌های مختلف مردم می‌توانند شیوه‌ی زندگی خود را تا حدودی آن‌چنان که می‌خواهند، برگزینند(فرهمند، جواهرچیان و هاتفی‌راد، ۱۳۹۳: ۲). انتخاب و بازاندیشی در سبک‌های مختلف زندگی و ارتباطات اجتماعی آن‌چنان که افراد یا گروه‌ها می خواهند، سبب گردید تا پدیده‌هایی که پیش‌تر چندان بروز عینی و آشکار نداشتند امروز به مسئله‌ی اجتماعی تبدیل گردد. با گسترش امکانات جدید ارتباطی، جامعه‌ی ایران به تدریج با امواج فزاینده‌ای از تغییرات ارزشی و هنجاری مواجه شده است (رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۳۵). ورود امکاناتی چون ماهواره و اینترنت به خانه‌ها سبک‌های متفاوتی از زندگی را، از جوامع و فرهنگ‌های متفاوت پیش روی

[1] Leneski, Leneski
[2] Karr
[3] Ferench et al

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مخاطبان قرار داده و به گونه‌ای غیر مستقیم ارزش‌ها و نگرش‌های کهن ما را به چالش طلبیده است. یکی از این تحولات در حوزه‌ی روابط جنسی بین دختر و پسر می‌باشد. (آزاد ارمکی، شریفی ساعی، ایثاری و طالبی، ۱۳۹۰: ۹).

تفاوت نگرش نسبت به رابطه‌ی جنسی، ریشه در تفاوت موجود در شناسه‌های فرهنگی ـ اجتماعی و مذهبی جوامع گوناگون دارد. در جامعه‌ی ایرانی با بنیان قوی فرهنگی و سنتی که دین، نقش مهمی در زندگی مردم ایفا می‌کند، رابطه‌ی بین دختر و پسر چه به صورت علنی و چه به صورت پنهانی را بر اساس دین اسلام ممنوع کرده است و اسلام تنها رابطه‌ی بین دو جنس را از طریق زوجیت و همسری مجاز می‌داند (فرهمند و دیگران، ۱۳۹۳: ۲).

ازدواج پدیده‌ای است که از دیرباز و از زمان پیدایش انسان بوده و تا امروز نیز ادامه داشته است و تحت تأثیر تحولات جوامع دچار تغییر شده است؛ از یک طرف دیگر تمایلی برای ازدواج وجود ندارد و سن ازدواج در حال افزایش است و از طرف دیگر انواع و اقسام ازدواج‌ها مثل «ازدواج موقت»، «ازدواج صوری»، «ازدواج صیغه‌ای» و... به وجود آمده است و از طرفی میزان طلاق هم چه به صورت رسمی چه عاطفی افزایش پیدا کرده است. آن چه که به عنوان ازدواج سفید نام گرفته هرچند در دنیا پدیده‌ی جدیدی نیست، اما در ایران یک شوک فرهنگی به حساب می‌آید. ازدواج سفید در نهادهای دولتی مربوطه یا سازمان‌های دینی ثبت نمی‌شود. در این نوع ازدواج، زن و مرد با هم زندگی می‌کنند و کارهای مربوط به خانواده بر دوش هر دو نفر است؛ ولی از لحاظ قانونی زن و شوهر محسوب نمی‌شوند و این یعنی نهایت آسیب به خود فرد بعد از پایان این رابطه. از طرفی جوانانی که درگیر روابط جنسی با جنس مخالف می‌شوند، معمولاً از دریافت اطلاعات و خدمات مناسب برای حفاظت از خود در برابر بیماری‌های مراقبتی محروم بوده و در نتیجه با احتمال بیش‌تری در معرض عواقب جسمانی ناشی از روابط محافظت‌نشده هستند که عواقب روانی فراوانی به همراه دارد(خلج‌آبادی و مهریار، ۱۳۸۹: ٤٥١). آن چه نسل امروز را دچار نوعی سردرگمی و پریشانی می‌کند از سویی زندگی در جامعه‌ی اسلامی و آمیخته با فرهنگ و رسوم ایرانی با قدمتی کهن است که اشکال مختلف روابط بین دختر و پسر با ارزش‌های فرهنگی و دینی جامعه تناقض دارد(اسدیان، محمدزاده و نجفی، ۱۳۹٤: ۵۰) و از سوی دیگر مسئله‌ی ارتباط تمدن‌ها از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت، افراد مختلف را به گونه‌ای شگرف به یکدیگر نزدیک می‌سازد. نسل جوان در میان انبوهی اتهام و پرسش اسیر است و نمی‌داند با این مسأله چگونه برخورد کند. افراد مختلف برای پرکردن این خلأ به طرق مختلف

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

برخورد می‌کنند؛ برخی به روابط مقطعی و عاشقانه روی می‌آورند؛ این در حالی است که ازدواج تنها راه مشروع برقراری رابطه با جنس مخالف در ایران است و اکنون این راه با موانع بسیاری روبه‌رو شده است. بنابراین روابط هم‌خانگی یا ازدواج سفید در ایران در دهه‌ی اخیر تبدیل به دغدغه‌ای اجتماعی شده است و گسترش این گونه روابط از جمله موضوعات حساس و عموماً منفعل در امر سیاست‌گذاری کشورهاست؛ زیرا در کشورهایی که در مرحله‌ی گذار از سنت به مدرنیته هستند، هنوز سنت‌ها بر روابط اجتماعی حاکم است و در کشوری چون ایران که مذهب، یکی از ارکان اصلی خانواده‌ها به شمار می‌رود، این روابط پسندیده و قابل قبول نمی‌باشد. این روابط چون در ایران به صورت پنهانی وجود دارد بسیاری گمان می‌کنند که چون آن را نمی‌بینند پس وجود خارجی ندارد؛ اما نتایج تحقیقات متعدد نشان داده که این روابط سال‌ها وجود دارد. بنابراین بررسی نگرش افراد مختلف نسبت به ازدواج سفید و تبیین جامعه‌شناختی آن می‌تواند گامی عمیق در راستای بررسی این پدیده باشد و درک و فهم بهتر تحولات فکری افراد جامعه در مورد این پدیده را آشکار می‌سازد.

بنابراین در این پژوهش، محقق به دنبال این است که:

افرادی که رابطه‌ی هم‌خانگی و ازدواج سفید را تجربه می‌کنند، چه درک و معنایی از این رابطه دارند؟ عوامل غالبی که می‌تواند در بروز این رابطه نقش داشته باشد کدامند؟ این رابطه چه پیامدهایی را می‌تواند برای افراد داشته باشد؟

پیشینه‌ی پژوهش

امروزه هم‌خانگی به شکلی آرام و خزنده در حال جا بازکردن در زندگی جوانان ایرانی است و این خود تهدیدی جدی برای نهاد خانواده و ثبات ازدواج می‌باشد. روابط دو جنس، در سراسر دنیا و از جنبه‌های مختلف، همواره موضوعی در خور بررسی بوده است؛ اما به نظر می‌رسد، در هیچ کشوری همچون ایران این موضوع چالش برانگیز و مسئله‌ساز نبوده است. بر این اساس تحقیقات مختلفی در زمینه‌ی بررسی این موضوع صورت گرفته است.

یاریاری، کشاورزی و رسولی(۱۳۹٤) پیش‌بینی رفتارهای پرخطر در نوجوانان را بر مبنای نگرش به روابط قبل از ازدواج مورد بررسی قرار داد. بین نگرش به روابط قبل از ازدواج و گرایش به رفتارهای پرخطر، رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری به دست آمده است. نتایج رگرسیونس نشان داد که گرایش به رابطه با جنس مخالف بالاترین قدرت را در پیش‌بینی رفتارهای پرخطردارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

کریمیان، سالاری و ملکاری(۱۳۹٤) به بررسی علل و انگیزه‌های گرایش به رابطه هم‌خانگی در ایران پرداختند. بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها با رویکرد تفسیری، 6 مقوله‌ی اصلی با عناوین: آمادگی برای ازدواج و نگرانی از پیامدهای آن، مزایای اقتصادی، نیازهای عاطفی و جنسی، نگرانی از پیامدهای طلاق، کمرنگ‌شدن نقش نظارتی و حمایتی خانواده، آزمودن سازگاری و ازدواج آزمایشی، به عنوان دلایل گرایش افراد به روابط هم‌خانگی استخراج گردید.

فرهمند، جواهرچیان و هاتفی‌راد(۱۳۹۳) بازاندیشی تعاملات جنسی را در رابطه با جهانی‌شدن فرهنگ در جوانان شهر یزد مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رابطه‌ای مستقیم و معنادار بین دو متغیر جهانی‌شدن فرهنگ و بازاندیشی تعاملات جنسی وجود دارد که تأییدکننده‌ی فرضیه‌ی اصلی تحقیق حاضر است.

آزادارمکی، شریفی، ایثاری و طالبی(۱۳۹۱) هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. به بررسی هم‌خانگی در کلان‌شهر تهران به وسیله‌ی مصاحبه با ۲۱ نفر از دختران و پسران تهرانی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد هم‌خانگی محصول تجدد ایرانی و گسترش جهانی‌شدن و ورود آن به ایران است. تغییر اوضاع اقتصادی و فرهنگی جامعه به تدریج تغییرات اجتماعی را به وجود آورده که نتیجه‌ی این تغییرات پیدایش الگوی هم‌خانگی است.

دل‌آور و احمدی(۱۳۹۰) در پژوهشی به نقش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر میزان ارتباط با جنس مخالف، پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که سن، جنس، استفاده از تلفن همراه و ماهواره با میزان ارتباط با جنس مخالف رابطه دارند.

آزادارمکی، شریفی، ایثاری و طالبی(۱۳۹۰) سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران حداقل به شش دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از روابط آزاد، روابط صیغه‌ای، روابط دوست دختر و دوست پسر، روابط هم‌خانگی، روابط ضد عاشقانه و روابط مبتنی بر عشق سیال. این روابط به مدد تحولات ساختار اجتماعی و اقتصادی و تغییرات ارزشی ناشی از آن در سال‌های اخیر با گسترش زیادی مواجه شده‌اند.

آزاد ارمکی و شریفی ساعی، ایثاری و طالبی(۱۳۹۰) در پژوهش تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران، به روش کیفی و مصاحبه با ۳٤ مردی که این سبک از زندگی را تجربه کردند، به این نتیجه رسیده که ساز و کار گرایش به این روابط نیاز سوژه به ارضای نیاز از طریق

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

راه‌های فرهنگی و مشروع بوده و چنان‌چه این روابط مشروع فراهم نباشد، از راه‌های غیر مشروع (ازدواج سفید) اقدام به برطرف‌کردن ارضای نیاز می‌کند.

موحد، عنایت و عباسی(۱۳۸۵) به بررسی رابطه‌ی عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختران و پسران پیش از ازدواج در دانشگاه شیراز و علوم پزشکی شیراز پرداختند. یافته‌ها نشان داده که ۲۵/٦ درصد دارای نگرش مثبت و ۵۰/۸ درصد نگرش میانه و ۲۳/٦ درصد نگرش منفی داشته‌اند. خانواده‌ها نگرش منفی‌تری نسبت به دانشجویان داشته و زنان نسبت به پسران نگرش منفی‌تری داشتند.

شیمل و وو[1](۲۰۱۱) در پژوهش خود هم‌زیستی بدون ازدواج را یک شکل زندگی حاکم در کانادا می‌داند که از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۱ سه برابر شده است و در حال حاضر ۱۸ درصد از خانوارهای کانادایی سبک زندگی هم‌زیستی بدون ازدواج دارند. در این شکل از رابطه، انسجام اجتماعی کم‌تر دیده می‌شود.

ترست[2](۱۹۷۸) ازدواج بدون ثبت قانونی را یک سنت قدیمی در ایسلند، سوئد و دانمارک می‌داند و نوعی بازگشت به هم‌زیستی باستانی اعلام کرده است. وی معتقد است که پدیده‌ی تغییرات جامعه پساصنعتی در ایجاد تغییرات این نهاد اجتماعی مؤثر بوده است.

بررسی پیشینه‌ها نشان‌دهنده‌ی آن است که ازدواج سفید هم اکنون به عنوان یک پدیده‌ی خارجی که ناشی از تغییرات فرهنگی و اقتصادی دوران گذار جوامع بوده در ایران در حال گسترش است.

مبانی نظری پژوهش

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که تا امروز دست‌خوش تحولات گسترده شده است. خانواده در جهان معاصر با متنوع‌ترین اشکال خود روبه‌رو است. از خانواده هسته‌ای تا خانواده‌ی تک والدینی و حتی زندگی مشترک بدون ازدواج و بعضاً خانواده‌های متشکل از افراد هم‌جنس را شاهد هستیم(شیری قیداری، ۱۳۹۵: ۱۳). امروزه ازدواج رسمی و قانونی در حال تضعیف و با هم بودن و ازدواج سفید در حال تقویت‌شدن است. ازدواج سفید یک شکل متمایز از وضعیت تأهل

[1] Shimel & Vev
[2] Trast

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

غیرقانونی است که هم‌پا با ازدواج می‌باشد(شیمل و وو، ۲۰۱۱: ۲٤). با توجه به آمارهای موجود در کشورهای مختلف، ازدواج سفید رشد زیادی داشته است. مثلاً در کانادا میزان ازدواج سفید از ۱۵ درصد در سال ۱۹٦۰ به ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۰ و در اقیانوسیه از ۱٦ درصد در سال ۱۹۷۵ به ۷۰ درصد در سال ۲۰۰۷ رسیده است. در اروپا نیز روند مشابهی از آن را تجربه کرده‌اند. هر چند باهم‌بودگی یا همان ازدواج سفید در اروپا پدیده‌ی جدیدی نیست و قبل از انقلاب جنسی در دهه-ی ۱۹٦۰ به علل گوناگون در جوامع اروپایی یافت می‌شد، اما در آن زمان عملی غیرقانوی و مشمول مجازات بود(لوفلر[1]، ۲۰۰۹: ۱٦). گسترش هم‌خانگی در کشورهای غربی، به مثابه‌ی شکل جدیدی از خانواده، مهم‌ترین تغییر در الگوهای خانواده در ۵۰ سال اخیر بوده است. امروزه هم‌خانگی نه تنها در کشورهای توسعه‌یافته که حتی در کشورهای در حال توسعه نیز در حال فراگیرشدن است. در دوره‌های اولیه‌ی پیدایش هم‌خانگی، غالباً افراد فقیر که توانایی ازدواج نداشتند وارد این گونه روابط می‌شدند. مشکلات اقتصادی یکی از مهم‌ترین علل شکل‌گیری آن بود و عده‌ای نیز به دلیل مشکلات بعد از جدایی یا مرگ شریک زندگی خود، وارد این روابط می‌شدند (سورنتون و همکاران[2]، ۲۰۰۷: ۱٤).

نتایج تحقیقات در ایران نیز نشان می‌دهد که امروزه با گونه‌های مختلف روابط جنسی پیش از ازدواج در کشورمان مواجهه هستیم که شامل: روابط آزاد(الگوی روسپی‌گری)، روابط مبتنی بر صیغه، روابط دوست دختر و دوست پسر، روابط ضد عاشقانه، روابط مبتنی بر عشق سیال و روابط هم‌خانگی می‌باشد(آزاد ارمکی، ۱۳۹۱: ۳۵۰).

متأسفانه دوری از خانواده و کم‌شدن کنترل اجتماعی به موازات نگرش‌های آزاداندیشانه نسبت به ازدواج و روابط جنسی قبل از ازدواج و مدشدن و رواج تنوع‌طلبی، فضای مناسبی را برای تجربه این نوع روابط توسط جوانان فراهم نموده است. همچنین بالارفتن سطح توقعات جوانان، کم‌رنگ‌شدن ارزش‌های اخلاقی و شکاف طبقاتی و حتی بین نسلی، وجود چند میلیون دختر مجرد و زنان مطلقه، فقر، اعتیاد و بیکاری، بالابودن اجاره‌ی مسکن و ناهم‌خوانی دخل و خرج در میان جوانان ایرانی، پناه‌بردن به هم‌زیستی غیر اخلاقی را که در آن مسئولیت‌پذیری برای هیچ یک از طرفین وجود ندارد، محتمل می‌کند. باید در نظر داشت که شکل جدید رابطه‌ی هم‌خانگی بدون

[1] Loffler
[2] Sirenton

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ازدواج با ازدواج موقت(صیغه) که در کشورمان دارای مشروعیت می‌باشد متفاوت است. بنابراین این نوع ازدواج‌ها(صیغه‌ای) که در آن قصد و قرارداد زوجیت به چشم نمی‌خورد با پدیده‌ی هم‌خانگی مترادف نیست؛ چون در این نوع پیوندها قرارداد یا زوجیتی به چشم نمی‌خورد (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۸۱).

بنابراین ظهور این گونه روابط در جامعه ریشه‌های فراوانی دارد. یکی از مهم‌ترین علت‌های گرایش به آن، جنبه‌های زیستی پیدایش سائق جنسی است که شیوه‌ی ارضای آن اجتماعی است. طبق نظریه‌ی سلسله‌مراتب نیازهای جنسی مازلو[1]، نیازهای جنسی جزء دسته‌ی نیازهای اولیه و فیزیولوژیک و اساسی ارگانیسم محسوب می‌شود که بالاترین فشار را به فرد وارد می‌آورند. پیدایش انگیزش جنسی، جنبه‌ی زیستی دارد و نحوه‌ی کنترل و ارضای آن جنبه‌ی اجتماعی دارد. از سوی دیگر، خاصیت عصر جدید این است که فاصله‌ی بین بلوغ جنسی و ازدواج در ایران به بیش از ۱۰ سال رسیده است. در این بین افراد مختلف با فشارهای ناشی از بلوغ جنسی به شیوه‌های متفاوتی برخورد می‌کنند. تحقیقات اندک در این زمینه نشان می‌دهند که روابط جنسی پیش از ازدواج در شهرهای بزرگ چون تهران، افزایش چشم‌گیری یافته است. مسئله‌ای که سیاست غالب، درصدد نادیده‌گرفتن آن است. از طرف دیگر بسیاری از والدین هم یا از ماجرا باخبر نیستند و یا در صدد اطلاع و پرسش از فرزندان با ممانعت آن‌ها از ادامه‌ی گفتگو مواجه می‌شوند. این امر به این دلیل است که بسیاری از فرزندان والدین خود را محرم اسرار جنسی‌شان تلقی نمی‌کنند (آزاد ارمکی و شریفی ساعی، ۱۳۹۰: ٤۳۸).

ویلیام گود [2] با مطرح‌کردن ایده‌ی انقلاب جهانی در الگوی خانواده‌ی گسترده تأثیرات مدرنیزاسیون در سطوح مختلف فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است. مک دونالد[3] در قالب نظریه‌ی نوسازی بازاندیشانه‌ی خود معتقد است که اگرچه فرآیند نوسازی، آزادی و استقلال بیش‌تری برای افراد به ارمغان می‌آورد؛ اما آن‌ها را با عدم اطمینان بیش‌تری نسبت به آینده مواجه ساخته است. بنابراین تا موقعی که افراد شغل دائم و باثبات و توانایی برعهده‌گرفتن مسئولیت خانواده را نداشته باشند، ازدواج نمی‌کنند و تشکیل خانواده نخواهند داد(یاری نسب، حیدری و ابراهیمی، ۱۳۹٤: ۳٥٤).

[1] Maslow
[2] William Good
[3] McDonald's

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

روث دیکسون[1] نیز در بحث از الگوها و مسایل ازدواج بر اهمیت ساختار اجتماعی و تغییرات آن تأکید می‌کند و در این خصوص به سه متغیر کلیدی تأثیرگذار بر ازدواج یعنی:

۱ ـ قابلیت دسترسی همسر آینده با توجه به توازن نسبت جنسی در سنین ازدواج و الگوهای انتخاب همسر؛

۲ـ امکان‌پذیری ازدواج با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی؛

۳ـ مطلوبیت ازدواج با توجه به هنجارها و فشارهای اجتماعی و انگیزه‌های فردی اشاره می‌کند (یاری نسب، حیدری و ابراهیمی، ۱۳۹٤: ۳٥٤).

عوامل ارزشی و فرهنگی نیز نقش مهمی در تبیین فرآیند ازدواج دارند. تئوری‌هایی با رویکرد ارزشی ـ فرهنگی بر تغییرات فرهنگی و ارزشی جامعه و ماهیت نو و ابداعی‌بودن ایده‌ها و نگرش‌ها تأکید دارند. در چارچوب این تئوری و برای تبیین تحولات جمعیتی از جمله ازدواج و خانواده تأکید می‌شود. کالدول[2](۱۹۸۲) بر گسترش ایده‌ها و ارزش‌های غربی در سایر جوامع، بر تغییرات نظام معنایی و افزایش فردگرایی و سکولار در کشورهای اروپای غربی تأکید دارد (شیری قیداری، ۱۳۹٥: ۲۳).

نظریه‌ی تأخر فرهنگی آگ برن[3] دگرگونی و تحول جامعه را بر اثر رشد و دگرگونی سریع بعضی عناصر فرهنگی نسبت به بعضی دیگر عناصر معنوی فرهنگ، مانند عقاید و اعتقادات اجتماعی فراهم می‌کند. به عبارت دیگر عناصر مادی زودتر از عناصر معنوی فرهنگ رشد کرده و باعث تضاد و ناهمگونی می‌شود و فرهنگ معنوی از فرهنگ مادی عقب می‌افند. صنعتی‌شدن و گسترش نظام اجتماعی ـ اقتصادی سرمایه‌داری دگرگونی‌های تحول‌زا را در خانواده‌ها پدید آورده و باعث بروز تعارض در خانواده گردیده است. وابستگی این تعارضات به شرایط اجتماعی ـ اقتصادی خانواده و موقعیت آن‌ها در درون سیستم اجتماعی است. خانواده‌ها قبل از این که با محیط جدید هماهنگ شوند، تحت تأثیر شرایط عینی جامعه قرار می‌گیرند؛ بی آنکه آماده‌ی پذیرش تحولات اجتماعی باشند. در حقیقت خانواده، وابسته به طبقه، قشر و گروه‌های قومی و مذهبی و فرهنگی است و نقش و پایگاه اجتماعی در وظیفه و کارکرد و ماهیت آن و روابط درون آن تأثیر بنیادی دارد (سیف‌الهی، ۱۳۸۸: ۱۹۹).

[1] Roth Dixon
[2] Kaldol
[3] Ag ber

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

رویکرد تضاد ارزش‌ها نیز هم‌خانگی را به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی، وضعیتی می‌داند که با ارزش‌های برخی گروه‌ها که اعضای آن در کار تبلیغ ضرورت اقدام برای مسائل موفق هستند، ناسازگار نیست و علت مسئله‌ی اجتماعی نیز تضاد ارزش‌ها و یا منافع است. گروه‌های مختلف چون منافع متفاوتی دارند، رو در روی یکدیگر قرار می‌گیرند و به محض این که این رو در رویی خود را به شکل تضاد متبلور کند، مسئله‌ی اجتماعی متولد می‌شود. در واقع می‌توان گفت در وضعیت تضاد هنجاری در امور اجتماعی، دو هنجار یا دو مجموعه‌ی هنجار متضاد وجود دارد. هم‌خانگی را می‌توان به نوعی پدیده‌ی حاصل از تضاد ارزش‌های نسل‌های مختلف در ایران در نظر گرفت. در واقع، پیوند رویکرد تضاد ارزش‌ها با بحث شکاف نسلی، هنگامی اتفاق می‌افتد که مجموعه‌ی هنجارها و ارزش‌های یک نسل با مجموعه‌ی ارزش‌ها و هنجارهای نسل دیگر متضاد باشد. در این صورت دو مجموعه‌ی متضاد از هنجارها، باورها، ارزش‌ها خواهیم داشت. به این شکل که ارزش‌های نسل «جوانان بسیجی» در برابر ارزش‌های نسل «جوانان جهانی» نسل آشنا با فرهنگ مدرن با نسل غریبه با این فرهنگ در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ نسل جوانی که در حوزه‌ی مربوط به ازدواج و دین و سبک زندگی، با نسل‌های پیشین خود شکاف فرهنگی پیدا کرده است. این گونه است که پدیده‌ی هم‌خانگی از شکاف حاصل از تفاوت‌های فرهنگی دو نسل نو و کهنه سر بر می‌آورد و به این ترتیب، نسل نو، هم‌خانگی را پدیده‌ی به‌هنجار می‌داند و نسل قدیمی‌تر این پدیده را بر نمی‌تابد (گلچین و صفری، ۱۳۹٦: ۳۵).

دورکیم[1] در مقاله‌ی «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده» و همچنین اثر معروفش به نام «خودکشی» درباره‌ی خانواده بحث می‌کند. وی معتقد است که خانواده دارای نوعی تکامل تک خطی بوده که در دوره‌های مختلف دچار انقباض شده است. دورکیم مطرح می‌کند که هر چند خانواده در اثر انقباض دچار انزوای اجتماعی می‌شود؛ اما به دلیل وجود صمیمیت در روابط زن و شوهر دارای ابعاد جدیدی از رابطه به جهان خارج می‌شود. خانواده به تدریج مهم‌ترین وظایف و نقش‌های خود را از دست داده و به نهادهای دیگر واگذار کرده است. بنابراین هم‌خانگی از هر نظر با توجه به ویژگی‌هایی که دارد، مانند نهاد خانواده به صورت سنتی محسوب نمی‌شود؛ اما می‌توان آن را تا حدودی به عنوان یکی از الگوهای مشابه خانواده در نظر گرفت. از سوی دیگر هم‌خانگی دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان این ویژگی‌ها را حاصل واگذاری بسیاری از نقش‌های

[1] Durkheim

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

خانوادگی به نهادهای دیگر و نشانه‌ای از گذار خانواده از یک نهاد کاملاً اجتماعی به یک نهاد خصوصی دانست. هم‌خانگی سبکی از زندگی است که بسیاری از مسئولیت‌های خانواده‌ی سنتی در آن مطرح نیست. تقسیم وظایف سنتی مرد و زن در آن نفی می‌شود و طرفین از فشار نقشی در ازدواج به شیوه‌ی مرسوم رهایی می‌یابند (گلچین و صفری، ۱۳۹۶: ۳۷).

آنتونی گیدنز[1] درباره‌ی روابط دنیای مدرن این نکته را مطرح می‌کند که روابط خانوادگی، دیگر حاملان پیوندهای اجتماعی بسیار سازمان‌یافته در پهنه‌ی زمانی ـ مکانی به شمار نمی‌آید. وی ویژگی متمایزکننده‌ی دنیای مدرن را با سنتی، پیدایش رابطه‌های ناب می‌داند. ویژگی این نوع رابطه‌ها این است که در آن، رابطه‌های دوستانه و شخصی با دیگران به گونه‌ای پدید می‌آید که این رابطه‌ها خارج از آداب و اصول سنتی، انتخاب‌هایی را برای برقراری ارتباط‌های دوستانه و شخصی با دیگران فراهم می‌کند. هرچند گیدنز عبارت «رابطه‌ی ناب» را درباره‌ی وضعیت ازدواج در دنیای مدرن به کار می‌برد، اما می‌توان ویژگی‌های این رابطه‌ها را برای تبیین بهتر الگوهای مشابه ازدواج، همچون هم‌خانگی نیز به کار برد. هم‌خانگی را می‌توان به نوعی، رابطه‌ای با ویژگی‌های رابطه‌ی ناب که مختص دوران مدرن است، در نظر گرفت. در هم‌خانگی عشق رومانتیک و نه الزام‌های اجتماعی دوران سنتی، طرفین را به سوی یکدیگر جذب می‌کند. در این شکل از رابطه، قواعد بیرونی، الزامی برای متعهدماندن ایجاد نمی‌کنند و زوجین به یکدیگر تعهد درونی دارند. همچنین در این سبک زندگی، طول مدت رابطه از پیش تضمین شده نیست و رابطه تا هنگامی که مطلوبیت داشته باشد، ادامه می‌یابد و تضمینی برای زیستن در کنار یکدیگر در آینده به صورت از پیش‌تعیین‌شده و رسمی وجود ندارد. بنابراین می‌توان هم‌خانگی را به نوعی پیامدی از گذار جامعه‌ی ایران از دوران سنتی به مدرن تعریف کرد که در این گذار، روابط عاشقانه‌ی رمانتیک با مطابقت ارزش‌های مدرن فردگرایی، استقلال فردی و گزینش آزادانه رواج می‌یابد. این گذار با تغییر شکل الزام‌های موجود در رابطه، از بیرونی به درونی همراه است. یکی از نشانه‌های گذار روابط میان دو جنس از الزام‌های بیرونی به الزام‌های درونی، تغییر الگوهای همسرگزینی در کشورمان است. به گونه‌ای که بر خلاف دوره‌های گذشته که ازدواج در خدمت اهداف و منافع جمعی بود، امروزه بیش‌تر ازدواج‌ها با هدف‌های شخصی انجام می‌شود (گلچین و صفری، ۱۳۹۶: ۳۷).

[1] Anthony Giddens

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

روش پژوهش

این تحقیق یک پژوهش با روش‌شناسی کیفی است که به دنبال تبیین تفهیمی رفتار کنش‌گران می‌باشد. این روش به دنبال درک عمیق واقعیت جهان اجتماعی از نقطه‌نظر افراد می‌باشد و قصد دارد معنایی را که آنان به تجارب زیسته‌ی خود می‌بخشند درک کند. روش تحقیق کیفی انعکاس‌دهنده‌ی مفاهیم ناشناخته است که در اکتشاف مسایل و نکات جدید در زمینه‌ی موضوعات مختلف و حوزهایی که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته کاربرد دارد. برای درک عمیق از نحوه‌ی نگرش افراد نسبت به ازدواج سفید، راهی جز پژوهش کیفی وجود ندارد. هدف تحقیق کیفی، نوعاً یک مطالعه‌ی مفصل و عمیق است (استربرگ؛ ۱۳۸٤ : ٦۹). جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه‌ی افرادی هستند که تجربه‌ی شیوه‌ی زندگی ازدواج سفید را داشته‌اند. از آن جا که جمعیت مورد مطالعه، پنهان می‌باشند و شناسایی آنان به راحتی امکان‌پذیر نیست، جهت یافتن افراد، از تکنیک نمونه‌گیری گلوله‌ی برفی بهره گرفته شد. نمونه‌گیری گلوله‌ی برفی یک تکنیک نمونه‌گیری هدف‌مند است که مستلزم استفاده‌ی مشارکت‌کنندگان اولیه برای شناسایی موارد اضافی است که ممکن است به تدریج در مطالعه به کار روند. این راهبرد مناسبی برای یافتن مطلعین کلیدی است. با فرض یافتن چند مطلع یا مورد اولیه، محقق می‌تواند نمونه‌های دیگر را پیدا کند(محمدپور، ۱۳۹۲: ٤٤). به این صورت بود که بعد از یافتن چند نمونه‌ی اول از طریق دوستان و آشنایان، همان نمونه‌ها پس از مصاحبه و فرآیند جلب اعتماد، رابط و واسطی برای آشنایی و مصاحبه با نفرات بعدی شدند. در نهایت با استفاده از معیار اشباع نظری درباره‌ی تعداد افراد نمونه، تصمیم‌گیری شد. نمونه‌گیری نظری تا زمان اشباع نظری ادامه می‌یابد. یعنی تا جایی که دیگر اطلاعات جدیدی یافت نشود، فرآیند گردآوری اطلاعات متوقف می‌شود(استراس و کوربین ، ۱۳۸۵: ۱۸۷). بنابراین در این پژوهش طی مصاحبه با ۱۵ نفر از زوجینی که تجربه‌ی زیسته‌ی این نوع زندگی را داشته‌اند به اشباع نظری رسیده و مصاحبه متوقف گردید.

در پژوهش کیفی فنون ثابت و سریعی برای تحلیل داده‌ها وجود ندارد و پژوهش کیفی، کاری ذهنی و تفسیری است. پژوهش‌گر کیفی در بطن فرآیند تحلیل داده‌ها قرار دارد و به تمامی، درگیر این فرآیند است و احتمالاً شیوه‌های تحلیل داده‌های کیفی به اندازه تعداد پژوهش‌گران کیفی تنوع دارد(حریری، ۱۳۸۵ : ۲۳٦). در تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از روش تحلیل تفسیری استفاده شد. تحلیل تفسیری فرآیندی برای بررسی دقیق داده‌های پژوهش کیفی می‌باشد که هدف اصلی آن

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

یافتن سازه‌ها، مقوله‌ها و الگوهایی است که برای توصیف و تبیین پدیده‌ی مورد پژوهش به کار می‌روند.

یافته‌های پژوهش

طی مصاحبه‌ی انجام‌شده، مشخص گردید که پاسخ‌گویان مورد بررسی، در رده‌ی سنی ۲۵ تا ٤۰ سال بوده و همه دارای تحصیلات لیسانس، فوق لیسانس و دکترا می‌باشند. همه‌ی پاسخ‌گویان شاغل در بخش دولتی و خصوصی بوده‌اند. مدت زمان هم‌خانگی پاسخ‌گویان از یک سال تا ۸ سال بوده است.

هدف از انجام پژوهش حاضر، مطالعه‌ی ادراک زوجین تشکیل‌دهنده‌ی هم‌خانگی از این سبک زندگی، پی‌بردن به زمینه‌های پیدایش چنین سبک زندگی‌ای بر اساس مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی زوجین انتخاب شده و در نهایت، مطالعه‌ی پیامدهای این سبک زندگی می‌باشد. در این راستا مطالعه‌ی حاضر با رویکردی کیفی و از طریق مصاحبه‌های عمیق انجام شده است. با انجام کدگذاری باز مقوله، زیرمقوله به دست آمد. با انجام کدگذاری محوری و ربط زیرمقوله‌ها به یکدیگر، در نهایت مقوله‌ها و زیرمقوله‌های عمده به دست آمده و در فرآیند پژوهش در جدول زیر ارائه شده است.

جدول شماره‌ی یک- مفاهیم و مقولات استخراج‌شده از مصاحبه‌ها

مفاهیم	مقولات
عدم آمادگی برای ازدواج	پیامدهای ناشی از ازدواج
ترس از محدودشدن آزادی	
ترس از مسئولیت‌پذیری	
دردسرهای ناشی از طلاق	
تأمین نیازهای مالی	مزایای اقتصادی
تأمین هزینه‌های زندگی از سوی دختر و پسر	
صرفه‌جویی در هزینه‌های مربوط به مراسم عروسی	
ارضای نیازهای جنسی	نیازهای جنسی و عاطفی
ارضای نیازهای عاطفی	
پرکردن خلاء روحی و روانی	

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ادامه جدول شماره‌ی یک- مفاهیم و مقولات استخراج‌شده از مصاحبه‌ها

مفاهیم	مقولات
کاهش کنترل والدین	کم‌رنگ‌شدن نقش حمایتی خانواده و جامعه
کاهش اهمیت ارزش های دینی	
کاهش اهمیت گرایش‌های ملی و اعتقادی	
زندگی در کشورهای اروپایی	جهانی‌شدن
ارتباط با فرهنگ بیگانه	
آشنایی به سبک زندگی غربی	
توجه به نیازها و خواسته‌های شخصی	اهمیت فردگرایی
عدم توجه به خواسته‌های اطرافیان	
عدم پایبندی به آداب و رسوم	
عدم پایبندی به ارزش‌های دینی	کم‌رنگ‌شدن نقش دین در جامعه
عدم پایبندی به مناسک مذهبی	
عدم باور به اعتقادات دینی در مسایل جنسی	
نگرش مثبت دوستان به این نوع رابطه	نگرش جامعه نسبت به ازدواج سفید
نگرش منفی خانواده به این نوع رابطه	
نگرش منفی همکاران به این نوع رابطه	
رابطه با دوستانی که درگیر این نوع رابطه هستند	نقش گروه‌های دوستی
فراهم‌کردن زمینه‌ای این رابطه توسط دوستان	
تشویق دوستان به برقراری این نوع رابطه	
عدم پذیرش از سوی جامعه	محدودیت‌های ازدواج سفید
فقدان حمایت قانونی	
رابطه‌ی پنهانی	

بسیاری از پاسخ‌گویان بیان داشتند که به دلیل نداشتن شرایط مالی مناسب، مشکلات اجتماعی، موقعیت کاری و تحصیلی، در حال حاضر امکان ازدواج برای آنان فراهم نبوده و ترجیح می‌دهند در جهت رفع نیازهای‌شان یک رابطه‌ی غیر رسمی و پنهانی را آغاز کنند.

ترس از محدودشدن آزادی و مسئولیت‌پذیری: ازدواج تابع قواعد و آداب و رسومی است که باعث محدودیت‌ها و پذیرش مسئولیت برای فرد می‌شود. این محدودیت‌ها و مسئولیت‌ها با

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

نگرش‌های بسیاری از افراد هم‌خوانی ندارد. بنابراین ترجیح می‌دهند شیوه‌ای از زندگی را آغاز کنند که تابع مقررات خاصی نبوده و آزادی آنان را سلب نکند.

مثلاً یکی از پاسخ‌گویان بیان داشته که وقتی ازدواج کنم مجبورم به موقع از سرکار به منزل برگشته و کارهای مربوط به خانه و تهیه‌ی غذا و نظافت منزل را انجام دهم، که این شرایط را دوست ندارم.

یکی دیگر از پاسخ‌گویان بیان داشته که بعد از ازدواج گاهی مجبور می‌شوی که برخلاف میل باطنی در مجالس و مهمانی‌های خانوادگی شرکت کنی. بنابراین بیش‌تر وقت خود را مجبوری که صرف زندگی خانوادگی، همسر و فرزندان نمایی و دیگر فرصتی برای توجه به خواسته‌های خود نداری.

دردسرهای ناشی از طلاق: افزایش میزان طلاق در جامعه و دردسرهایی که مراحل قانونی طلاق برای زوجین ایجاد می‌کند باعث شده که بسیاری از افراد نوعی از زندگی مشترک را شروع کنند که چنان‌چه زمانی نخواستند ادامه دهند به راحتی و بدون دردسر از هم جدا شوند.

مثلاً یکی از پاسخ‌گویان بیان داشته که خودم قبلاً تجربه‌ی یک زندگی مشترک و جدایی را داشتم. بعد از این که به این نتیجه رسیدیم که نمی‌توانیم دیگر با هم زندگی کنیم و تصمیم به جدایی گرفتیم، آن‌قدر مراحل قانونی و اداری، خسته‌کننده بود که ترجیح می‌دهم دیگر ازدواج قانونی نداشته باشم که اگر روزی نتوانستیم ادامه دهیم دیگر این همه سختی‌ها را متحمل نشویم.

مزایای اقتصادی: ازدواج و تشکیل خانواده این وظیفه را بر مرد متحمل می‌کند که باید به تنهایی هزینه‌های زندگی را تأمین کند. با توجه به شرایط اقتصادی جامعه‌ی امروز، بسیاری از مردان توانایی تأمین هزینه‌های مالی زندگی را نداشته؛ بنابراین تمایلی به ازدواج و تشکیل خانواده ندارند. از طرفی در این شکل از رابطه، زوجین به صورت توافقی هزینه‌های زندگی را تأمین می‌کنند و هزینه‌های مراسم عقد و عروسی هم وجود نداشته و زوجین به راحتی زندگی مشترک را آغاز می‌کنند.

ارضای نیازهای جنسی یکی از نیازهایی است که در زندگی افراد وجود دارد و میزان و نوع برآورده‌شدن این نیاز در بین افراد مختلف متفاوت است. با توجه به تغییراتی که در طی فرآیند گذار سنت به مدرنیته در جامعه ایجاد می‌شود و میزان ارتباط با فرهنگ‌های بیگانه، افراد خود را پایبند آداب و رسوم و اعتقادات دینی و مذهبی نمی‌دانند. بنابراین ارضای نیازهای جنسی و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

عاطفی، دیگر به سبک سنتی و رسمی نبوده و چنان‌چه شرایط مهیا باشد از هر شیوه‌ای استفاده می‌کنند.

با توجه به نظرات پاسخ‌گویان، زوجین در ابتدای زندگی رابطه‌ی عاطفی خوبی با هم دارند؛ بعد از مدتی که شرایط زندگی سخت‌تر شود، رابطه‌ی عاطفی بین زوجین کم‌رنگ شده و به مرور رابطه سرد و بی‌روح می‌شود. ولی در این شکل از رابطه با توجه به این که بسیاری از مسایل و مشکلات ازدواج رسمی و قانونی وجود ندارد، زوجین زمان بیش‌تری را با یکدیگر بوده و سعی می‌کنند نیازها و خواسته‌های طرف مقابل را برآورده نمایند.

جهانی‌شدن، فرآیند افزایش ارتباطات بین جوامع است؛ به گونه‌ای که حوادث و رویدادهای گوشه‌ای از جهان به شکل فزاینده‌ای بر کل جهان اثر می‌گذارد. در دنیای جهانی‌شده، وقایع و رخدادهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی و بهداشتی به یکدیگر مرتبط هستند. بنابراین افزایش ارتباط با فرهنگ‌های بیگانه و آشنایی با سبک زندگی آنان، شرایطی را برای افراد فراهم می‌کند که آنان نیز سبک‌های جدید زندگی را انتخاب کنند. اگرچه جهانی‌شدن باعث افزایش ارتباط جوامع با یکدیگر شده، ولی تغییراتی را که در ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی افراد ایجاد می‌کند، باعث بروز آسیب‌های اجتماعی در جوامع می‌گردد. از آن‌جایی که ازدواج سفید بسیاری از قوانین دست و پا گیر ازدواج سنتی را ندارد، افراد این شیوه‌ی زندگی را انتخاب کردند.

میزان پایبندی افراد به دین اسلام و اعتقاد مذهبی نسبت به گذشته کاهش یافته و جوانان بیش‌تر به دنبال فرقه‌های دینی‌ای هستند که آزادی عمل بیش‌تری را به آنان می‌دهد و محدودیت‌هایی را که دین اسلام در برقراری رابطه با جنس مخالف اعمال می‌کند، نداشته باشد. با توجه به کاهش اعتقادات دینی و باور به دستورات دینی در خصوص ارتباط با جنس مخالف، جوانان به راحتی با یکدیگر ارتباط داشته و سعی می‌کنند کلیه‌ی نیازهای جنسی، روحی و روانی خود را بدون در نظر گرفتن دستورات دینی و اسلامی برآورده نمایند.

تعدادی از پاسخ‌گویان بیان داشتند که دین اسلام دستورات و اعمالی دارد که مانع از بسیاری از فعالیت‌های افراد شده و از طرفی با توجه به اهمیت فردگرایی و توجه به تأمین نیازهای فردی سعی می‌کنیم از هر طریقی در جهت تأمین نیازها استفاده نماییم.

نگرش جامعه نسبت به ازدواج سفید: با توجه به اسلامی‌بودن جامعه‌ی ایران و پایبندی به آداب و رسوم سنتی که رابطه‌ی دختر و پسر را در قالب ازدواج سنتی مورد پذیرش قرار می‌دهد،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

با این سبک زندگی جوانان مخالف بوده و آن را مخالف هنجارها و ارزش‌های جامعه‌ی اسلامی و ایرانی می‌داند.

بعضی از پاسخ‌گویان بیان داشته که ازدواج سفید در جامعه‌ی ایرانی مورد پذیرش قرار نگرفته و قانون از آن حمایت نمی‌کند و هیچ حق و حقوق مشخصی برای هر یک از زوجین در این شکل از رابطه وجود ندارد تا چنان‌چه مشکلی به وجود آید، جامعه و قانون از آن‌ها حمایت کند. حتی خانواده‌ها و اطرافیان هم این شکل از زندگی را قبول نداشته و از جوانان حمایت نمی‌کنند.

در هر مرحله از زندگی، دوستان نقش مهمی در زندگی افراد دارند. در زمینه‌ی سبک زندگی، خصوصاً رابطه با جنس مخالف، دوستان نقش بسیاری دارند. به گونه‌ای که گاهی خود دوستان واسطه‌ی ارتباط می‌شوند و افراد را تشویق می‌کنند.

مثلاً یکی از پاسخ‌گویان بیان داشته که همسر من با همسر یکی از دوستانم دوست بوده و آنان ما را به هم معرفی کرده و زمینه‌های ارتباط ما را با یکدیگر فراهم نموده‌اند. از آن‌جایی که آن‌ها از مدت‌ها پیش‌تر زندگی مشترک بدون ازدواج را شروع کرده بودند، ما را تشویق به انتخاب این شیوه از زندگی مشترک نمودند.

محدودیت‌های ازدواج سفید: با توجه به این که جامعه‌ی ایرانی و اسلامی، ازدواج سفید را مخالف با ارزش‌های جامعه می‌داند، این شیوه از زندگی را نپذیرفته و افراد به صورت پنهانی زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند و حتی در جامعه، خود را به عنوان متأهل معرفی نمی‌کنند، چون در هیچ جایی ثبت نشده است. بر همین اساس تعدادی از پاسخ‌گویان بیان داشتند که علی رغم میل باطنی خود، خواهان رسمی‌شدن رابطه هستند تا راحت‌تر بتوانند زندگی و در جامعه و در جمع‌های خانوادگی حضور پیدا کنند. ولی اکثر پاسخ‌گویان خواهان رسمی‌شدن رابطه نبوده‌اند، چون رسمیت، محدودیت‌ها و مسئولیت را برای زوجین به همراه داشته و زوجین محدودیت‌ها و مسئولیت‌ها را نمی‌پذیرند.

بحث و نتیجه‌گیری

ازدواج سفید به عنوان شکلی از روابط و به نوعی تشکیل خانواده به سبک جدید از سایر جوامع خصوصاً کشورهای غربی ورد ایران شده و محصول الگوهای خانواده در چند دهه‌ی اخیر است. این شکل خانواده در جامعه‌ی ایران محصول تحولات اجتماعی در حال گذار جامعه‌ی ایران می‌باشد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش، از طریق مصاحبه با افراد می‌توان بیان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

داشت که اکثریت افراد خصوصاً آن‌هایی که تجربه‌ی زیسته‌ی این نوعی زندگی را داشته‌اند، همه‌ی افراد به نوعی با این نوع زندگی، یک پیش‌زمینه‌ی قبلی داشته و از طریق رسانه‌ها و ارتباط با سایر دوستان و آشنایانی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند، با این سبک زندگی آشنا شدند. از آن‌جایی که این سبک زندگی با فرهنگ و عقاید مذهبی و دینی ما در تعارض می‌باشد، چندان از سوی خانواده‌ها مورد پذیرش قرار نگرفته است. بنابراین می‌توان بیان داشت که جوامع در گذار از سنت به مدرنیته همواره دچار تغییرات و تحولات شده و به نوعی سعی می‌کنند از طریق ارتباط با جوامع دیگر و نوآوری‌های آن‌ها در جهت رفع نیازهای خود استفاده کنند؛ ولی بخش دیگری از جوامع که کم‌تر توسعه یافته است و میزان ارتباط کم‌تری با سایر جوامع دارد، همواره سعی می‌کند بر اساس باورهای رایج در فرهنگ خود در جهت پذیرش و عدم پذیرش نوآوری‌های جامعه گام بر دارد.

با توجه به این که اکثر والدین دیدگاه سنتی و مذهبی دارند، بنابراین میزان پذیرش ازدواج سفید در بین آن‌ها پایین است. والدین به علت پایبندی به فرهنگ سنتی و دینی شیوه‌های جدید تشکیل خانواده را قبول نداشته و فقط به شیوه‌ی سنتی و رسمی معتقد هستند. جهانی‌شدن و گسترش میزان استفاده از رسانه‌ی جمعی و فضای مجازی، تحولاتی را در زندگی جوانان ایجاد و آنان را از رعایت بسیاری از آداب و رسوم جامعه رها کرده است و به نوعی گسترش فردگرایی در جامعه باعث توجه بیش‌تر افراد به نیازها و خواسته‌های شخصی افراد در مقابل خواسته‌های اطرافیان شده است. از آن‌جایی که ازدواج رسمی و تشکیل خانواده مجموعه‌ای از مسئولیت‌ها را بر زوجین تحمیل می‌کند که تا حدودی آزادی عمل را از آنان سلب می‌کند و به نوعی باعث نادیده‌گرفتن خواسته‌های فردی افراد می‌گردد که این امر با نگرش‌های جوانان در جامعه‌ی امروز چندان سازگار نبوده و به همین دلیل به دنبال سبک‌های جدید زندگی که اهمیت فردگرایی در آن بیش‌تر باشد، هستند؛ چراکه ازدواج سفید شکلی از رابطه‌ی دختر و پسر بوده که مشابه ازدواج رسمی می‌باشد و در آن به خواسته‌های فردی و ارضای نیازهای فردی و روحی و روانی توجه می‌شود. با وجود این که ازدواج سفید شکلی از رابطه است که جوانان به خواست خود آن را انتخاب می‌کنند، ولی بعضی از افراد از آشکارشدن رابطه‌ی خود در بین خانواده و جامعه وحشت داشته و خواهان آن بودند که روزی بتوانند زندگی رسمی که متناسب با آداب و رسوم جامعه است، آغاز کنند. در حالی که عده‌ای دیگر اصلاً تمایلی به رسمی‌شدن رابطه نداشته و رسمیت را باعث پایبندی به آداب و رسوم سخت و دست و پاگیر می‌دانند. بنابراین می‌توان بیان داشت که

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جوامع در فرآیند گذار و رشد و تکامل از مرحله‌ی ابتدایی به پیشرفته، مراحل مختلفی را پشت سر می‌گذرانند که در هر منطقه با توجه به تجارب‌شان که همان فرهنگ و آداب و رسوم می‌باشد، تغییراتی را با سرعت متفاوت مورد پذیرش و یا رد قرار می‌دهند که این میزان تغییرات بر حسب رشد و توسعه‌ی اقتصادی ـ اجتماعی جامعه و میزان ارتباط آن‌ها با جوامع دیگر و میزان استفاده‌ی آن‌ها با رسانه‌های مختلف و ارتباط با افراد خارج از فرهنگ بومی می‌باشد. جوانان امروز دیگر خود را پایبند سنت‌ها و آداب و رسوم جامعه‌ی خود نمی‌دانند و به نوعی خواهان روابط آزاد و در پی پاسخ‌گویی به نیازهای غریزی خود، بدون هیچ قید و بندی هستند و از آن‌جا که در این شیوه‌ی زندگی بر خلاف ازدواج رسمی، تأمین هزینه‌های زندگی با مرد خانواده نیست و زوجین به صورت توافقی هزینه‌های زندگی را تأمین می‌کنند، با توجه به شرایط جامعه‌ی امروز و مشکلات اقتصادی که بر سر راه زندگی جوانان قرار دارد، بسیار مورد توجه و پسند آنان می‌باشد.از طرفی دیگر با توجه به پاسخ‌های به‌دست‌آمده، بعضی از پاسخ‌گویان بیان داشتند که خانواده‌ها با این شیوه‌ی زندگی آنان مخالفند و بعضی موافق بودند؛ لذا می‌توان بیان داشت که در یک جامعه با ساختار مشابه آن چه که باعث تفاوت در نگرش‌های افراد می‌شود، توسعه‌ی نامتوازن و نهادینه‌نشدن تجارب و فرهنگ در بین آنان است.

نگرش کلی افراد در مورد این شیوه از زندگی این بوده که آنان امیدوار بودند که در چند سال اخیر با توجه به تغییراتی که در جامعه اتفاق خواهد افتاد، این شیوه‌ی زندگی مورد پذیرش افراد جامعه و مسئولین قرار گرفته و مورد حمایت قانونی قرار بگیرد که این امر با توجه به فرآیند رشد و تحولات جوامع دور از انتظار نیست؛ زیرا به موازت تغییرات اساسی که در جامعه طی فرآیند رشد و توسعه صورت خواهد گرفت، کم کم این شیوه‌ی زندگی به عنوان یک امر بهنجار و جزئی از تجربه‌ی زیسته‌ی آن جامعه شده و مورد پذیرش عموم قرار خواهد گرفت.

بحث ازدواج سفید در کشور ما با کشورهای دیگر متفاوت است؛ در کشورهای دیگر تغییرات فرهنگی و ارزشی باعث رواج این سبک از زندگی شده، ولی در کشور ما مسایلی که برسر راه ازدواج است(وضعیت اقتصادی، آداب و رسوم دست و پا گیر، تشریفات پرهزینه و ...) افراد را به سمت ازدواج سفید سوق می‌دهد. در حال حاضر نیاز داریم که در سیاست‌گذاری‌های‌مان روی حل مسأله‌ی اقتصادی تمرکز کنیم. با حل مشکل اشتغال می‌توان مسأله‌ی ازدواج را حل کرد؛ اما متأسفانه در برخی لوایح و قوانینی که در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است، برعکس عمل می‌شود؛ یعنی شرط اشتغال را ازدواج قرار می‌دهند و گفته می‌شود ازدواج و فرصت‌های

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

شغلی باید برای افراد متأهل فراهم شود. در حالی که خود این افراد وقتی برای ازدواج مراجعه می‌کنند به آن‌ها گفته می‌شود که باید شغل مناسبی داشته باشند. در نتیجه باید تلاش کنیم در چارچوب‌های فرهنگی و اجتماعی خودمان نسبت به حل این مساله اقدام کنیم.

راهکارها

ـ کاهش نابرابری‌های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی در جامعه که نیازمند عزم جدی مسئولان در سطح کلان و بازنگری در سیاست‌های شغلی، کارآفرینی واقعی می‌باشد.

ـ ترویج بیش‌تر اعتقادات دینی و مذهبی در جامعه از طریق برگزاری همایش‌هایی در زمینه‌ی ترویج فرهنگ ایرانی و اسلامی به شکلی جذاب و امروزی برای جوانان؛ تا از این طریق میزان گرایش به سبک زندگی خارجی را کاهش دهند. دین به عنوان یک عامل اصلی و تعیین‌کننده در امر ازدواج و روابط دختر و پسر، آداب و رسومی را مشخص نموده که رعایت آنان باعث تحکیم بیش‌تر روابط دختر و پسر و در نتیجه تحکیم بنیان خانواده می‌گردد.

ـ توجه بیش‌تر خانواده‌ها بر زندگی و آینده‌ی فرزندان و راهنمایی لازم در زمینه‌ی رعایت حدود و نوع روابط دختران و پسران با یکدیگر باعث کاهش میزان ازدواج غیر رسمی می‌گردد.

ـ کاهش رسومات دست‌وپاگیر مربوط به مراسم ازدواج از قبیل(مهریه، خرید وسایل عروسی و تالار و...) که این رسومات هزینه‌ی اقتصادی بالایی را به همراه دارد. بنابراین با ترویج فرهنگ ازدواج آسان و پرهیز از هزینه‌های سنگین تشریفاتی، می‌توان تمایل جوانان را به ازدواج رسمی و قانونی افزایش داد.

ـ استفاده از برنامه‌های جذاب و با کیفیت رسانه‌ی ملی در زمینه‌ی تشویق بیش‌تر جوانان به تشکیل خانواده به صورت رسمی و قانونی؛ تا از این طریق میزان الگوپذیری از فرهنگ بیگانه در خصوص روابط آزادانه‌ی دختر و پسر کاهش یابد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی، شریفی ساعی، محمدحسین، ایثاری، مریم و طالبی، سحر. (۱۳۹۱). هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. *جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال سوم، (۱)، ۷۷-۴۳.

۲. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی خانواده‌ی ایرانی. تهران، انتشارات سمت.

۳. آزادارمکی، تقی، شریفی ساعی، محمدحسین، ایثاری، مریم و طالبی، سحر.(۱۳۹۰). سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران. *جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال دوم، (۲)، ۳۴-۱.

٤. اسدیان، داود، محمدزاده، علی و نجفی، محمود. (۱۳۹٤). بررسی نگرش به دوستی با جنس مخالف در بین دانشجویان دختر و پسر. *مجله‌ی تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۳ (۳)، ۵۱۸ ـ ۵۰۹.

۵. حریری ، نجلا. (۱۳۸۵). *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*. تهران: نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.

٦. استروس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی*. ترجمه‌ی بیوک محمدی. تهران: پژوهش‌کده‌ی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۷. خلج‌آبادی فراهانی، فریده و امیرهوشنگ مهریار. (۱۳۸۹). بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران. *فصل‌نامه‌ی خانواده‌پژوهی*، سال ششم، شماره ۲٤، صص ٤٦۸ ـ ٤٤۹.

۸. دل‌آور، مریم سادات و احمدی، حبیب. (۱۳۹۰). رابطه‌ی استفاده از فناوری‌های ارتباطی بر میزان ارتباط با جنس مخالف. *مجله‌ی علوم اجتماعی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، (۲)، ۲٤-۱.

۹. رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۰). *توسعه و تضاد؛ کوششی در جهت تحلیل علل پیدایش انقلاب اسلامی و مسایل اجتماعی ایران*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۰. ساروخانی ، باقر. (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: سرو.

۱۱. سیف اللهی، سیف اله. (۱۳۸۸). مبانی جامعه‌شناسی. تهران، انتشارات جامعه‌پژوهان سینا.

۱۲. شیری قیداری، لیلا. (۱۳۹۵). *مطالعه‌ی جامعه‌شناختی تجربه‌ی زیسته از پدیده‌ی باهم‌باشی (ازدواج سفید)*. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکز).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱۳. فرهمند، مهناز، جواهرچیان، ندا و هاتفی راد، ندا. (۱۳۹۳). جهانی‌شدن و بازاندیشی تعاملات جنسی(مورد مطالعه جوانان شهر یزد). *فصل‌نامه‌ی راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۵(۱٤)، ۲۰٤-۱۷۵.

۱٤. کریمیان، نادر، سالاری، سمانه و ملکاری، بختیار. (۱۳۹٤). رابطه‌ی هم‌خانگی در ایران: بررسی کیفی علل و انگیزه‌های گرایش به آن. *فصل‌نامه‌ی مطالعات روان‌شناسی*، سال ششم، (۲۱)، ۲۰۰-۱۷۰.

۱۵. گلچین، مسعود و صفری، سعید. (۱۳۹). کلان‌شهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه‌ای از روابط زن و مرد. *فصل‌نامه‌ی تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۰(۱)، ۵۷-۲۹.

۱٦. لنسکی، گرهارد و لنسکی، جین. (۱۳٦۹). *سیر جوامع بشری*. ترجمه‌ی ناصر موفقیان. تهران: سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

۱۷. محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش ۱*. تهران: نشر جامعه‌شناسان.

۱۸. موحد، مجید، عنایت، حلیمه و عباسی شوازی، محمدتقی. (۱۳۸۵). بررسی رابطه‌ی عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج. *مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲٤(۲(٤۷))، ۱٦۵-۱٤۷.

۱۹. یاری، فریدون، کشاورزی، فاطمه و رسولی، علی. (۱۳۹٤). نقش باورهای فراشناختی و نگرش به روابط قبل از ازدواج در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر نوجوانان. فصل‌نامه‌ی پژوهش در سلامت روان‌شناختی، ۹(۲)، صص ۲۵ ـ ۳۳.

۲۰. یاری‌نسب، فاطمه؛ حیدری، عفیف و ابراهیمی، فاطمه. (۱۳۹٤). نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج موقت(مورد مطالعه: دانشگاه شهید باهنر کرمان). *فصل‌نامه‌ی فرهنگ در دانشگاه اسلامی* ، سال پنجم، (۱٦)، ۳٦٤-۳٤۷.

21. Blesk, A. L. & D. M. Buss (2001). "Opposite-Sex Friendship: Sex Differences and Similarities in Initiation, Selection and Dissolution", ***Personality And Social Psychology Bulletin*** (PSPB), Vol. 27, No. 10.

22. Carr, D. (2011). 'Premarital Sex in America: How Young Americans Meet, Mate, and Think about Marriage by Mark Regnerus and Jeremy Uecker', ***American Journal of Sociology***, 30, 25 -40

23. French, M, T. Popovici, I. Robins, P. Homer, J. (2014). Personal traits, cohabitation, and marriage. ***Social Science Research*** 45, 184–199.

24. Loffler, C. (2009). *Non-Marital Cohabitation in Italy*, ***der Universität Rostock*** .Vol. 117, No. 3.

25. Schimmele, Christoph M. & Wu, Zheng (2011). Cohabitation and social engagement**.** *Canadian Studies in Population* 38, No. 3–4, pp 23 - 36.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

26. Trost, Jan (1978). A Renewed Social Institution: Non-Marital Cohabitation. Acta Sociologica**, Vol. 21, No. 4 , pp. 303-315**.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]